

امیدها و ترديد‌های پژوهشگران به «رویکرد کیفی» در فرایند پژوهش

■ دکتر یزدان منصوریان^۱

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

پژوهشگران در مطالعات خود ناگزیر از تصمیم‌گیری‌های متعدد در مراحل مختلف تحقیق هستند. هریک از این تصمیم‌ها تابعی از عوامل مختلفی است که از آن میان می‌توان به هدف‌ها و پرسش‌های پژوهش، جامعه مورد مطالعه، محدود و محدودیت‌های تحقیق و امکانات موجود اشاره کرد

چکیده

این مقاله ضمن مروری بر تعریف «رویکرد کیفی» در مطالعات علوم اجتماعی و رفتاری، به تبیین فرصت‌ها و چالش‌هایی می‌پردازد که محققان با اتخاذ این رویکرد با آنها مواجه می‌شوند. مطالب ارائه‌شده با ترتیب زمانی در سه مرحله آغاز، اجرا و اتمام تحقیق مورد بحث قرار گرفته‌اند. امتیازهای اصلی رویکرد کیفی در آغاز و طی اجرای پژوهش عبارتند از: امکان بررسی عمیق و همه‌جانبه پدیده مورد مطالعه؛ امکان پرداختن به موضوعات نوین که اطلاعات کافی در موردشان وجود ندارد؛ پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی که با رویکرد کمی پاسخ‌گویی به آنها میسر نیست؛ اجرای تحقیق در محیط واقعی؛ انعطاف‌پذیری روش پژوهش؛ نقش فعال پژوهشگر در فرایند تحقیق؛ و وجود منابع مختلف برای گردآوری داده‌ها. همچنین، ارائه تصویری دقیق و در عین حال کلی از پدیده مورد مطالعه، زمینه‌سازی تدوین نظریه‌های تازه، و امید به استمرار تحقیق در آینده از امتیازهای دیگر این رویکردند که در پایان پژوهش مشخص می‌شوند. در عین حال، چالش‌های پژوهش کیفی عبارتند از: تردید در تناسب رویکرد کیفی با موضوع مورد مطالعه؛ دشواری در تدوین جزئیات طرح پژوهش؛ نگرانی از طولانی‌بودن و عدم امکان پیش‌بینی زمان لازم برای اجرای پروژه؛ دشواری در گردآوری و تحلیل داده‌ها؛ مفهوم‌یابی در داده‌ها؛ و خطر سوگیری پژوهشگر در تحلیل داده‌ها. علاوه بر این، تردید در تعمیم‌پذیری یافته‌ها، نگرانی از میزان اعتمادپذیری و باورپذیری نتایج، و دشواری در توجیه وثوق یافته‌ها از دیگر دشواری‌های پژوهشگران در مطالعات کیفی است. در پایان، مقاله حاضر ضمن مقایسه موارد فوق نشان می‌دهد فرصت‌هایی که به واسطه رویکرد کیفی در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد، به مراتب بیش از تردیدها و چالش‌هایی است که ممکن است برای آنان ایجاد کند.

کلیدواژه: روش تحقیق، پژوهش‌های کیفی، روایی و پایایی و باورپذیری یافته‌ها.

مقدمه

بنابراین، تصمیم درباره «رویکرد» تمام اجزا و مراحل بعدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بر این اساس، در مقاله حاضر کوشش می‌شود با توجه به ویژگی‌های رویکرد کیفی مسائلی که پژوهشگران با گزینش این رویکرد با آن مواجه می‌شوند، مورد بررسی قرار گیرد. این مسائل در سه مرحله مورد ارزیابی مطرح شده‌اند که عبارتند از: امیدها و تردیدها در آغاز؛ فرازها و نشیب‌ها در حین اجرا؛ و سرانجام دستاوردها و چالش‌ها در پایان پژوهش. اما قبل از پرداختن به این موضوع لازم است با مروری بر تعریف «رویکرد کیفی» ویژگی‌های آن تبیین شود.

ویژگی‌های رویکرد کیفی در پژوهش

در اغلب کتاب‌های روش تحقیق، تعریف رویکرد کیفی از مقایسه آن با تحقیق کمی و تشریح تفاوت‌های بین این دو ارائه می‌شود. در واقع، به‌نوعی تعریف رویکرد کیفی بیش از آنکه مبتنی بر ویژگی‌های خودش باشد، مبتنی بر تفاوت‌های آن با روش‌های مرسوم تحقیق کمی است. مثلاً، محمدی به‌نقل از پایین (۲۰۰۵ ص ۱۷۵) در این زمینه می‌نویسد: «روش تحقیق کیفی تلاشی است جهت توصیف غیر کمی از موقعیت‌ها، حوادث و گروه‌های کوچک اجتماعی، با توجه

پژوهشگران در مطالعات خود ناگزیر از تصمیم‌گیری‌های متعدد در مراحل مختلف تحقیق هستند. هریک از این تصمیم‌ها تابعی از عوامل مختلفی است که از آن میان می‌توان به هدف‌ها و پرسش‌های پژوهش، جامعه مورد مطالعه^۱، محدود و محدودیت‌های تحقیق^۲ و امکانات موجود اشاره کرد. در میان تمام تصمیم‌هایی که پژوهشگر اتخاذ می‌کند، انتخاب «رویکرد پژوهش»^۳ اهمیت ویژه‌ای دارد. در این مقاله منظور از «رویکرد» نگاه کلان و موضع کلی پژوهشگر نسبت به کلیت موضوع مورد مطالعه است. مثلاً برای بررسی موضوعی واحد در علوم اجتماعی و علوم رفتاری پژوهشگران ممکن است رویکرد «کمی»^۴ یا «کیفی»^۵ را برگزینند. رویکرد کمی که عمومیت بیشتری دارد، بیشتر جزءنگر و قیاسی^۶، و درمقابل، رویکرد کیفی کل‌نگر و استقرایی^۷ است. به بیان دیگر، در پژوهش‌های کمی معمولاً فقط یک یا چند متغیر مشخص بررسی می‌شود و داده‌های گردآوری‌شده در قیاس با نظریه‌های قبلی تحلیل می‌شوند. اما در رویکرد کیفی کلیت پدیده مورد مطالعه و بافتی^۸ که آن را احاطه کرده است، اهمیت بیشتری دارد و داده‌های گردآوری‌شده به‌جای آنکه با نظریه‌های قبلی مقایسه شوند، به‌صورت استقرایی مورد تفسیر پژوهشگر قرار می‌گیرند.



**در رویکرد کیفی
توجه به کلیت پدیده
مورد مطالعه و توجه به
بافتی که در آن پدیده
رخ می‌دهد، اهمیت
بسزایی دارد**

از نقطه اشباع زمانی است که می‌توان از کیفیت و کفایت (بستگی) داده‌های گردآوری شده برای رسیدن به تحلیلی دقیق اطمینان یافت؛ ۸. در این پژوهش‌ها شناخت چگونگی رخ دادن «فرایندها» و عوامل موثر بر آنها، به‌مراتب مهم‌تر از سنجش مقدار و میزان «فرآوردها» هستند؛

۹. در رویکرد کیفی توجه به کلیت پدیده مورد مطالعه و توجه به بافتی که در آن پدیده رخ می‌دهد، اهمیت بسزایی دارد؛
۱۰. نمونه مورد مطالعه از نظر اندازه و تعداد الزاماً نماینده آماری جامعه پژوهش نیست. ضمناً نمونه‌گیری به‌جای آنکه تصادفی باشد، به‌نوعی هدفمند^۶ است. چگونگی هدفمند بودن نمونه‌گیری نیز به پرسش‌ها و اهداف تحقیق بستگی دارد؛

۱۱. برخلاف پژوهش‌های کمی که از ابتدا متغیرهای خاصی را مدنظر قرار می‌دهند، در رویکرد کیفی متغیرها در خلال پژوهش به‌تدریج شناسایی شده و رابطه میان آنها و ویژگی‌هایشان توصیف می‌شود؛

۱۲. پژوهشگر نقش مستقیمی در گردآوری و تحلیل داده‌ها دارد و طی تعاملی طولانی و مستمر با جامعه مورد مطالعه به شناختی عمیق از ویژگی‌های آن و ابعاد پدیده مورد بررسی دست می‌یابد؛

۱۳. یافته‌های حاصل از پژوهش‌های کیفی معمولاً قابل تعمیم به محیط‌های خارج از بافت مورد مطالعه نیست؛

۱۴. در ارزیابی پژوهش‌های کیفی، به‌جای استفاده از مفاهیم مرسوم در مطالعات کمی، مثل «روایی و پایایی»، از مفاهیم دیگری مثل «اعتمادپذیری و باورپذیری» استفاده می‌شود.

زمینه‌های کاربرد رویکرد کیفی

رویکرد کیفی در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی، علوم اجتماعی و رفتاری کاربرد دارد. به‌طور کلی، در همه رشته‌هایی که به‌نوعی با روابط اجتماعی انسان‌ها سروکار دارند، می‌توان از این رویکرد استفاده کرد. از این‌رو، گستره رویکرد کیفی رشته‌هایی مثل مدیریت، بازاریابی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، مطالعات فرهنگی، پرستاری، کتابداری و اطلاع‌رسانی، علوم ارتباطات، تاریخ، علوم سیاسی و حوزه‌های مشابه را دربرمی‌گیرد.

به جزئیات، و همچنین سعی برای ارائه تعبیر و تفسیر معانی که انسان‌ها در موقعیت‌های طبیعی و عادی به زندگی خود و حوادث می‌بخشند. و بر این فرض استوار است که کنش متقابل اجتماعی کلیتی درهم‌تنیده از روابطی را تشکیل می‌دهد که به‌وسیله استقراء قابل درک است» (محمدی، ۱۳۸۷ ص ۱۶).

استراس و کوربین نیز بر وجه متمایزکننده این نوع پژوهش‌ها از روش‌های کمی تأکید دارند و معتقدند که «منظور ما از تحقیق کیفی عبارت است از هر نوع تحقیقی که یافته‌هایی را به‌دست می‌دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب شده‌اند» (استراس و کوربین، ۱۳۸۷، ص ۱۷).

همچنین، حریری نیز با تأکید بر اینکه یافته‌های پژوهش‌های کیفی جنبه تفسیری دارند و از روش‌های کمی به‌دست نمی‌آید، معتقد است که «اینگونه پژوهش می‌تواند مطالعه درمورد زندگی افراد، تجارب زنده، رفتارها، هیجانات و احساسات آنها و همچنین عملکردهای سازمانی، تحرکات اجتماعی، پدیده‌های فرهنگی و تعاملات میان افراد را شامل شود. بخشی از داده‌ها مانند تعداد افراد و اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به آنها، ممکن است به‌صورت کمی مطرح شود، ولی بخش عمده تحلیل‌ها جنبه تفسیری دارند» (حریری، ۱۳۸۵، ص ۱).

با مرور منابع مختلف فارسی (مثل: محمدی، ۱۳۸۷؛ استراس و کوربین، ۱۳۸۷؛ فلیک، ۱۳۸۷؛ سفیری، ۱۳۸۷؛ حریری، ۱۳۸۵؛ استربرگ، ۱۳۸۴ و منصوریان، ۱۳۸۶) و منابع انگلیسی (مثل: گورمن و کلاتون، ۲۰۰۵؛ گلیرز، ۱۹۹۸؛ استراوس و کوربین، ۱۹۹۸؛ گلیرز و استراوس ۱۹۶۷؛ منصوریان، ۲۰۰۶؛ ۲۰۰۸) در یک دسته‌بندی کلی، این مقاله به ۱۴ ویژگی اصلی رویکرد کیفی اشاره می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. با کمک رویکرد کیفی، محققان در جست‌وجوی کشف باورها، نگرش‌ها، مفاهیم و معانی هستند که افراد مورد مطالعه درخصوص پدیده‌ای مشخص در یک بافت اجتماعی^{۱۰} معین برای خودشان می‌سازند؛

۲. در رویکرد کیفی پژوهشگر در محیط واقعی^{۱۱} به بررسی پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد، بدون آنکه تغییری در آن محیط اعمال کند؛

۳. پرسش‌های پژوهش‌های کیفی بیش از آنکه با «چقدر» و «چه اندازه» شروع شوند؛ با «چرا» و «چگونه» آغاز می‌شوند؛

۴. داده‌های گردآوری شده و یافته‌های حاصل از پژوهش بیش از آنکه در قالب اعداد و ارقام باشند، به‌شکل توصیف‌های افراد مورد مطالعه از پدیده مورد بررسی یا براساس مشاهده مستقیم و تفسیر محقق از آن پدیده ارائه می‌شوند؛

۵. با استفاده از رویکرد کیفی، پژوهشگر در فرایند تحلیل روشی استقرایی و اکتشافی دارد. او بیش از آنکه بخواهد داده‌های بدست‌آمده را با مبانی فلسفی و چارچوب‌های نظری^{۱۲} ازپیش‌تعیین شده تفسیر کند، ذهن خود را برای رسیدن به معانی و مفاهیم تازه باز می‌گذارد؛
۶. در این پژوهش‌ها به‌جای آزمون فرضیه^{۱۳}، در ابتدا فقط پرسش‌های پژوهش مطرح است و درنهایت گاهی فرضیه‌هایی تولید^{۱۴} می‌شوند که در آینده می‌توانند مبنای پژوهش‌های بعدی کیفی یا کمی قرار گیرند؛
۷. هم‌زمان با گردآوری داده‌ها تحلیل نیز آغاز می‌شود و این فرایند تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهشگر به «نقطه اشباع»^{۱۵} برسد. منظور

قابل ذکر است.

در آغاز تحقیق، ممکن است پژوهشگر با این تردید مواجه شود که آیا تناسبی بین پدیده مورد مطالعه و رویکرد کیفی وجود دارد. به بیان دیگر آیا انتخاب این رویکرد می تواند پاسخ گوی پرسش های پژوهش او باشد و هدف او را تأمین کند. برای گذر از این مرحله، می توان با مرور دوباره اهداف و پرسش های پژوهش، مؤلفه های اصلی مورد نظر را شناسایی کرد. اگر این مؤلفه ها بیشتر مفهومی اند و بررسی آنها نیاز به ترسیم فرایندی تعاملی میان اجزای مختلف پژوهش دارد، آنگاه می توان از تناسب رویکرد کیفی با پژوهش مذکور اطمینان بیشتری داشت. مثلاً اگر پژوهشگری درصدد ترسیم تعریفی از مفهوم «خوشبختی» و عوامل مؤثر در ایجاد آن نزد گروه معینی است، می تواند با اطمینان از تناسب این موضوع با رویکرد کیفی، پژوهش خود را آغاز کند. زیرا احساس خوشبخت بودن یا نبودن، احساسی درونی و فردی است و بیش از آنکه عینیت خارجی داشته باشد، مبتنی بر ذهنیت افراد است. از این رو، تعریف افراد از آن متفاوت است و عوامل مؤثر بر آن فراوانند که می توان آنها را در یک پژوهش کیفی شناسایی کرد و مورد ارزیابی قرارداد.

تردید دیگری که در آغاز پژوهش های کیفی وجود دارد، عدم قطعیت پژوهشگر از زمان مورد نیاز برای اجرای پروژه است. فرایند پژوهش با رویکرد کیفی کاملاً اکتشافی^۷، و البته هیجان انگیز است. از این رو، امکان پیش بینی دقیق تمام مراحل آن و تعیین زمان مورد نیاز برای هر مرحله وجود ندارد. پژوهشگر فقط می تواند برآوردی تخمینی از زمان مورد نیاز داشته باشد. مثلاً، اگر قرار است برای گردآوری داده های مورد نیاز از روش مصاحبه استفاده شود، نمی توان در ابتدای پژوهش با اطمینان از تعداد مصاحبه های مورد نیاز خبر داد. زیرا بسته به موضوع مورد مطالعه، میزان همکاری جامعه پژوهش در پاسخ گویی به پرسش ها، مدت زمان هر مصاحبه و موارد دیگر پژوهشگر نمی داند چه زمان به نقطه اشباع می رسد. منظور از نقطه اشباع مرحله ای است که پژوهشگر می تواند با اطمینان از دست یابی به داده های کافی فرایند گردآوری داده ها را متوقف کند.

امتیازهای رویکرد کیفی طی اجرای پژوهش

اجرای پژوهش کیفی فرایندی غیرخطی است و بخش های مختلف آن بیش از آنکه در پی هم باشند، در کنار یکدیگرند. شکل شماره یک، تصویری کلی از مهم ترین مؤلفه های پژوهش های کیفی را نشان می دهد.

از این رو، در مراحل مختلف اجرای این طرح ها، امکان به کارگیری خلاقیت، اجرای پژوهش در محیط واقعی، انعطاف پذیری روش ها، نقش فعال پژوهشگر در تمام مراحل طرح، و وجود منابع مختلف برای گردآوری داده ها جزء امتیازهای پژوهش های کیفی به شمار می آیند.

شاید یکی از مهم ترین امتیازهای رویکرد کیفی طی اجرای پژوهش این است که پژوهشگر می تواند از خلاقیت خود برای گردآوری و تحلیل داده ها کمک گیرد. زیرا در اینجا پژوهشگر نقشی به مراتب فراتر از گردآورنده داده ها دارد. او می تواند براساس نیاز خود به داده های مشخصی، از روش های گوناگون استفاده کند. مصاحبه، مشاهده مستقیم، مراجعه به اسناد و مدارک، عکس، فیلم، خاطرات افراد حاضر در نمونه مورد مطالعه، و موارد مشابه روش های گوناگون

امیدها به رویکرد کیفی در آغاز پژوهش

مهم ترین امیدها در آغاز پژوهش های کیفی عبارتند از: امکان بررسی عمیق و همه جانبه موضوع پژوهشی؛ امکان مطالعه موضوع های نوینی که اطلاعات کافی درموردشان وجود ندارد؛ و امکان پاسخ گویی به پرسش هایی که پرداختن به آنها با رویکردهای کمی میسر نیست. رویکرد کیفی در پژوهش به محققان این امکان را می دهد که با نگاهی عمیق و همه جانبه به مطالعه پدیده مورد نظر بپردازند. کوچک بودن نمونه ها و صرف زمان طولانی و مستمر برای تعامل با آنها، فرصتی است تا به شکلی عمیق تر و با پرداختن به جزئیات بیشتر پدیده مورد مطالعه بررسی شود. مثلاً، به جای ارسال پرسشنامه پستی به سیصد نفر، که در پژوهش های کمی مرسوم است، می توان با سی نفر مصاحبه حضوری انجام داد و با ضبط و پیاده سازی مصاحبه ها داده های به مراتب بیشتری از پرسشنامه گردآورد.

همچنین، با استفاده از رویکرد کیفی می توان به مطالعه پدیده هایی پرداخت که سابقه چندان از مطالعات قبلی درباره آنها وجود ندارد. در حالی که در پژوهش های کمی همواره باید با تکیه بر نظریه ها و دانسته های موجود از قبل چارچوبی نظری برای پژوهش تعریف کرد. چارچوبی که بتواند مبنای تدوین فرضیه ای باشد که قرار است مورد آزمون قرار گیرد. اما در رویکرد کیفی، در ابتدای پژوهش تدوین فرضیه میسر نیست.

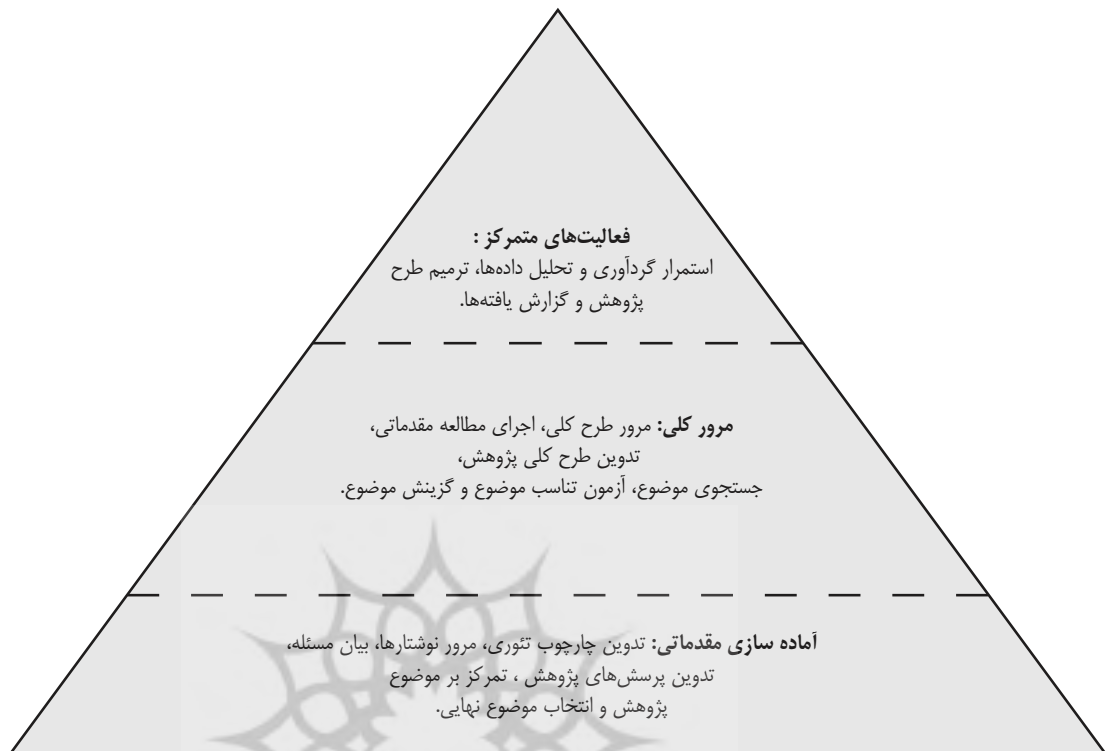
نبود فرضیه در آغاز این پژوهش ها گواهی بر این واقعیت است، که پژوهشگر ذهن خود را از هرگونه پیش داوری درخصوص نتایج پژوهش خالی کرده و فقط پرسش هایی در ذهن دارد که امیدوار است با گردآوری و تحلیل داده ها برایشان پاسخی قانع کننده بیاید.

سومین موضوع امیدبخش در آغاز پژوهش های کیفی، امکانی است که این پژوهش ها برای مطالعه مفاهیمی فراهم می آورند که پرداختن به آنها با رویکرد کمی ممکن نیست. مفاهیمی احساسی، اجتماعی، و فرهنگی که در قالب اعداد و ارقام نمی گنجد و کمی کردن آنها در درک وجوهی که دارند، کمکی نمی کند، از جمله زمینه هایی هستند که در پژوهش های کیفی مطرح می شوند. مثلاً، اگر پژوهشگری بخواهد عوامل مؤثر بر رضایت شغلی کارکنان یک سازمان را بسنجد، پژوهش های کمی تنها قادرند با مقیاسی رتبه ای درصد کارکنان کاملاً راضی تا کاملاً ناراضی را نشان دهند، یا قدمی فراتر نهاده و همبستگی میان متغیرهای معدودی را با میزان رضایت آنان بسنجند.

اما فقط با رویکردی کیفی می توان به شناختی از تعریف کارکنان آن سازمان از مفهوم رضایت شغلی دست یافت، عوامل مؤثر بر افزایش یا کاهش رضایت را مشخص ساخت، و چگونگی تأثیرگذاری عوامل مختلف را بر شکل گیری حس رضایت مندی یا ناراضی در آنان ترسیم کرد.

تردیدها به رویکرد کیفی در آغاز پژوهش

به رغم همه امیدهایی که رویکرد کیفی در آغاز پژوهش برای پژوهشگران به ارمغان می آورد، گاهی ممکن است محققان با تردیدهایی درخصوص به کارگیری این رویکرد روبه رو شوند. مثلاً، تردید در تناسب رویکرد کیفی با موضوع مورد مطالعه و هدف پژوهش، دشواری در تدوین جزئیات طرح پژوهشی، نگرانی از طولانی بودن و عدم امکان پیش بینی زمان لازم برای اجرای پروژه از جمله موارد



شکل ۱. هرم پژوهش کیفی، (گورمن و کلاتون، ۲۰۰۵، ص ۳۸)

پژوهشگر نقش بسیار فعالی در اجرای تحقیق دارد. او به طور مستمر با جامعه پژوهش در ارتباط است و از نزدیک تعاملات آنان را بررسی می‌کند

گردآوری داده‌ها محسوب می‌شوند. همچنین، پژوهش باید در بافت و محیط واقعی اجرا شود. از این‌رو، کافی است که پژوهشگر بافتی را که پدیده مورد مطالعه در آن حضور دارد، بشناسد و در همان شرایط به گردآوری داده‌ها بپردازد، بی‌آنکه تغییری در آن ایجاد کند. البته گاهی حفظ شرایط واقعی، به همان شکلی که هست، با دشواری‌هایی همراه خواهد بود. مثلاً، حضور محقق، به‌عنوان فردی خارج از آن مجموعه، گاه می‌تواند بر بافت اصلی تأثیر گذارد. گاهی نیز افراد تحت مطالعه ممکن است به دلایل مختلف نگرش‌ها و دیدگاه‌های واقعی خود را آشکار نسازند و همه این عوامل آن بافت اولیه را به‌نوعی دگرگون خواهد کرد. علاوه بر این پژوهشگر نقش بسیار فعالی در اجرای تحقیق دارد. او به‌طور مستمر با جامعه پژوهش در ارتباط است و از نزدیک تعاملات آنان را بررسی می‌کند. حتی در برخی از انواع روش‌ها، مثل روش «قوم‌نگاری»^{۱۸}، محقق باید، به‌عنوان یکی از اعضای جامعه مورد مطالعه، خود جزئی از جامعه پژوهش باشد تا بتواند داده‌های مورد نیاز را به‌دست آورد.

علاوه بر این، یکی از مراحل مهم در تحلیل داده‌ها فرایند دشوار و طولانی مفهوم‌یابی در داده‌های گردآوری شده است. اما نه امکان تدوین دستورعمل دقیق و مشخصی برای یافتن این مفاهیم وجود دارد، نه پژوهشگر به‌روشنی می‌داند که قرار است با چه مفاهیمی مواجه شود. زیرا او باید با دقت و گاه وسواس به مرور داده‌ها بپردازد و مفاهیم مستتر در آن را بیابد. این دشواری به‌ویژه در روش «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»^{۲۶} جدی‌تر است. نگرانی دیگر خطر بی‌طرف‌نماندن محقق در خلال فرایند پژوهش است. به‌دلیل تعامل مستمر و طولانی او با محیط پژوهش همواره این

دشواری‌های رویکرد کیفی طی اجرای پژوهش
دشواری در چگونگی گردآوری و تحلیل داده‌ها، مفهوم‌یابی در میان انبوه داده‌های گردآوری شده، نقش مرور نوشتارها در تحقیق در دست اجرا و پیوند با آن، و خطر سوگیری پژوهشگر در مرحله تحلیل و تفسیر از جمله دشواری‌هایی است که محقق طی اجرای تحقیق با آن مواجه است. معمولاً آغاز تحلیل داده‌های کیفی با دشواری همراه است، زیرا پژوهشگر به‌درستی نمی‌داند از کجا شروع کند و چگونه مسیر خود را

احتمال وجود دارد که در ذهنش «سوگیری»^{۲۷} به جهت مشخصی ایجاد شود، بی‌آنکه خود از این اتفاق آگاه باشد. بروز سوگیری در این مرحله مانع مهمی برای تحلیل درست و بی‌طرفانه داده‌هاست. برای حل این مشکل پژوهشگر می‌تواند داده‌های گردآمده را هم‌زمان در اختیار پژوهشگر دیگری که در آن حوزه صاحب مهارت و تخصص کافی است، قرار دهد و میزان تطابق تحلیل خود را با او به‌عنوان شخص ثالثی که از بافت پژوهش دور بوده، بسنجد.

دستاوردهای رویکرد کیفی در پایان پژوهش

تحقیقات کیفی در پایان با دستاوردهایی همراهند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ارائه تصویری دقیق و در عین حال کلی (چند جانبه) از پدیده مورد مطالعه و وجوه مختلف آن؛ مشارکت در تولید دانش جدید؛ زمینه‌سازی تدوین نظریه‌های تازه؛ و امید به استمرار پژوهش در آینده. در پایان پژوهش‌های کیفی تصویری جامع از پدیده مورد مطالعه ترسیم می‌شود که دست‌یابی به آن معمولاً با استفاده از روش‌های کمی میسر نیست. زیرا در پژوهش‌های کمی فقط یک، دو یا در نهایت چند متغیر مشخص از میان متغیرهای فراوانی که به‌طور پیدای و پنهان بر موضوع مورد مطالعه تأثیر می‌گذارند، بررسی می‌شود. در نتیجه برش کاملی از موضوع مورد مطالعه تهیه نمی‌شود.

همچنین، این پژوهش‌ها بر بدنه دانش موجود در خصوص پدیده مورد مطالعه می‌افزایند. میزان این افزایش هرچه باشد، از آنجا که مبتنی بر واقعیت‌ها و محیط واقعی پژوهش است، ارزشمند خواهد بود. گاهی نتایج این تحقیقات راهکارهای مفیدی برای حل مسائل و مشکلات مربوط به پدیده مورد مطالعه ارائه می‌دهند. حتی اگر نتایج حاصل بلافاصله نیز مورد استفاده قرار نگیرد، ارتقای سطح دانسته‌های ما درباره پدیده مورد نظر به‌خودی‌خود ارزشمند است.

پژوهش‌های کیفی اگر با دقت و حوصله اجرا شوند، به‌ویژه در صورتی که روش «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» مورد استفاده قرار گیرد، خود می‌توانند زمینه‌ساز تدوین نظریه‌های تازه باشند. نظریه‌هایی که می‌توان با تحقیقات بعدی در شرایط مختلف امکان تعمیم‌پذیری آنها را بررسی کرد.

حتی اگر پژوهش‌های کیفی با پیشنهاد نظریه جدیدی نیز همراه نباشند، معمولاً در پایان هر یک از آنها زمینه‌های پربراری برای پژوهش‌های بعدی ایجاد می‌شود. به‌ویژه، در موضوعاتی که دانسته‌های قبلی چندانی وجود ندارد، پژوهش‌های کیفی مبنای مطالعات بعدی قرار می‌گیرند.

چالش‌های رویکرد کیفی در پایان پژوهش

تردید در تعمیم‌پذیری یافته‌ها، نگرانی از میزان اعتمادپذیری و باورپذیری نتایج، و دشواری در توجیه و توثیق یافته‌ها مهم‌ترین چالش‌های پژوهشگران در پایان مطالعات کیفی هستند.

فلیک (۱۳۸۷، ص ۴۲۰) به‌نقل از لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) پنج مفهوم اساسی اعتمادپذیری^{۲۸}؛ باورپذیری^{۲۹}؛ اطمینان‌پذیری^{۳۰}؛ انتقال‌پذیری^{۳۱}؛ و تصدیق‌پذیری^{۳۲} را معیارهای ارزیابی تحقیقات کیفی معرفی می‌کند. این مفاهیم در واقع جایگزین «روایی و پایایی»^{۳۳} تحقیقات کمی هستند. منظور از پنج مفهوم فوق این است که تا چه اندازه می‌توان به‌درستی یافته‌های حاصل از یک پژوهش کیفی اعتماد داشت؟ آیا نتایج حاصل از تحلیل‌ها و تفسیرهای پژوهشگر حاصل

تحلیل واقعی است یا مبتنی بر نظر شخصی اوست؟ آیا یافته‌های پژوهش ریشه در داده‌های واقعی دارند و تناسب لازم بین موضوع مورد بررسی و شیوه گردآوری داده‌ها وجود داشته است؟ آیا اجرای دوباره این پژوهش به نتایج مشابهی ختم خواهد شد؟ آیا می‌توان با استدلال‌های منطقی از تحلیل‌های به‌عمل‌آمده دفاع کرد؟

همه این پرسش‌ها، چالش‌هایی جدی در پایان پژوهش محسوب می‌شوند و محقق باید بتواند از نتایج کار خود دفاع کند. خوشبختانه تاکنون راهکارهایی برای تحقق مفاهیم فوق پیش‌بینی شده است. مثلاً تعامل طولانی و مستمر با جامعه مورد مطالعه، ثبت تمام رخدادها، ریز و درشت طی اجرای پروژه، ترسیم روند گسترش و تکمیل پژوهش، استفاده از نظرات متخصصان دیگر در تحلیل داده‌ها و کسب تأیید مجدد از مصاحبه‌شوندگان در خصوص تطبیق برداشت محقق از آنچه اظهار داشته‌اند، جزء روش‌هایی است که معمولاً می‌تواند در دفاع از استنباط‌های نهایی مفید باشند.

یکی از دغدغه‌ها در پایان پژوهش‌های کیفی امکان تعمیم‌بخشیدن^{۳۴} به یافته‌هاست. به بیان دیگر، آیا می‌توان نتایج حاصل از چند مصاحبه را به جامعه پژوهش تعمیم داد؟ پاسخ این است که اساساً مطالعات کیفی در صدد تعمیم‌بخشیدن به یافته‌های خود نیستند. از این رو، نباید چندان نگران این موضوع بود. زیرا هدف پژوهش کیفی بیش از آنکه تعمیم یافته‌ها باشد، رسیدن به شناختی عمیق و واقعی از پدیده تحت مطالعه و شناسایی وجوه مختلف و عوامل تأثیرگذار بر آن است.

علاوه‌بر این، گاهی محققان کیفی با انتقادهایی درباره وثوق و درستی نتایج و تفسیرهایی که ارائه می‌دهند مواجه می‌شوند. از آنجا که در این پژوهش‌ها، بیش از آنکه برای ارائه یافته‌ها از آمار و ارقام استفاده شود، نتایج به‌صورت تفسیری و با کمک متن مصاحبه‌ها، تصاویر یا موارد مشابه ارائه می‌گردند، قانع کردن منتقدان همیشه کار آسانی نیست. به‌ویژه اگر این منتقدان به مطالعات کمی عادت داشته باشند، دشواری این کار دوچندان خواهد شد. معمولاً این انتقاد مطرح است که چگونه می‌توان مطمئن بود که تحلیل پژوهشگر از داده‌های کیفی خیالی و سوگرفته نیست و ریشه در واقعیت دارد؟ آیا اگر همین داده‌ها در اختیار پژوهشگر دیگری قرار گیرد، باز هم نتایج یکسانی به‌دست خواهد آمد؟

این انتقاد به پژوهش‌های کیفی ریشه در تفاوت نگاه پژوهشگران کمی و کیفی به یافته‌های پژوهشی دارد. در رویکرد کمی، یافته‌های پژوهشی باید عینی و قابل‌سنجش و اندازه‌گیری باشند، به‌نحوی که اگر دوباره به بررسی آن پرداختیم، نتیجه یکسانی به‌بار آورد. در حالی که در رویکرد کیفی نتیجه پژوهش بیش از آنکه مبتنی بر امور عینی و قابل‌شمارش باشد، ماهیتی ذهنی دارد که در شرایط اجتماعی خاص از سوی افراد مورد مطالعه ساخته شده و خاص تعامل آنها با محیط واقعی زمان اجرای پژوهش است. از این رو، اگر دو پژوهشگر در دو زمان مختلف پدیده یکسانی را بررسی کنند، بسته به بافتی که آن پدیده را احاطه کرده و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن بافت، نتایج کارشان به نسبت‌های مختلفی مشابه است، اما همواره به‌طور تمام و کمال یکسان نخواهد بود. این تفاوت بین یافته‌های دو پژوهشگر نقطه ضعف این مطالعات نیست، بلکه نشان از اهمیت تأثیر بافت بر پدیده مورد بررسی دارد. در پژوهش کیفی هیچ پدیده‌ای در خلأ

29. Credibility
30. Dependability
31. Transferability
32. Confirm ability
33. Validity and Reliability
34. Generalization

مآخذ:

۱. استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه: بیوک محمدی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. استربرگ، کریستین جی (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، ترجمه: احمد پوراحمد و علی شمعی، یزد: دانشگاه یزد.
۳. حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. سفیری، خدیجه (۱۳۸۷). روش‌های پژوهش کیفی در علوم اجتماعی، تهران: پیام پویا.
۵. فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۶. محمدی، بیوک (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. منصوریان، یزدان (۱۳۸۶). «نظریه مبنایی و کاربرد آن در تحقیق»، فصلنامه پژوهش‌های تربیتی، دوره ۱۹، ش ۹، ص ۱۵-۴۳.
۸. منصوریان، یزدان (۱۳۸۶). «گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟» ارائه‌شده در همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
9. Glaser, B. (1998). *Doing Grounded Theory: Issues and Discussion*, Sociology Press, Mill Valley, CA.
10. Glaser, B. and Strauss, A. (1967), "The Discovery of the Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research", Aldine de Gruyter, New York.
11. Glaser, B. (1992), *Basics of Grounded Theory Analysis: Emergence vs. Forcing*, Sociology Press, Mill Valley, CA.
12. Gorman, G. E. & Clayton, P. (2005). *Qualitative Research for the Information Professional: A Practical Handbook*. London: Facet Publishing.
13. Lincoln, Y.S., & Guba, E.G. (1985). *Naturalistic inquiry*. London: Sage Publications.
14. Mansourian, Y. (2006). "Adoption of Grounded Theory in LIS research". *New Library World*, Vol. 107 No. 9/10, pp. 386-402.
15. Mansourian, Y. (2008). "Exploratory nature of and uncertainty tolerance in qualitative research". *New Library World*, Vol. 109 No. 5-6, pp. 273-286
16. Strauss, A. and Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Technique (2nd Edition)*, Sage, Newbury Park, London.

و مستقل از عناصر تأثیرگذار بر آن بررسی نمی‌شود. در حالی که در رویکرد کمی، معمولاً محققان سعی می‌کنند با به حداقل رساندن تأثیر مؤلفه‌های جانبی، فقط بر یک یا چند متغیر خاص تمرکز داشته باشند.

نتیجه

با توجه به مباحث مطرح‌شده در این مقاله به نظر می‌رسد که گرچه اتخاذ رویکرد کیفی در پژوهش همواره با سهولت و سادگی همراه نیست و فرازونشیب‌هایی در این مسیر وجود دارد، اما فرصت‌هایی که این رویکرد در اختیار محققان قرار می‌دهد، به مراتب بیش از تهدیدهایی است که در این راه وجود دارد. نگاهی به مقالات و کتاب‌های حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی نیز تأییدی بر این مدعاست، زیرا هر روز بر تعداد و تنوع آثار کیفی افزوده می‌شود. البته در پایان ذکر این نکته نیز ضروری است که تمرکز مقاله حاضر بر این رویکرد به معنای نادیده گرفتن سودمندی و ارزش تحقیقات کمی نیست. چون این دو رویکرد مکمل یکدیگرند و در مقابل هم قرار ندارند. در واقع، این هدف پژوهش و ویژگی‌های پدیده مورد مطالعه است که تعیین می‌کند در هر طرح تحقیق کدامیک از این دو مناسب است.

پی‌نوشت‌ها:

1. y.mansourian@gmail.com
2. Research Population
3. Research Limits and Limitations
4. Research Approach
5. Quantitative
6. Qualitative
7. Deductive
8. Inductive
9. Context
10. Social Context
11. Natural Setting
12. Theoretical Frameworks
13. Hypothesis Testing
14. Hypothesis Generation
15. Saturation Point
16. Purposeful Sampling
17. Exploratory
18. Ethnography
19. Grounded Theory
20. Open Coding, Axial Coding and Selective Coding
21. Action Research
22. Case Studies
23. Phenomenology
24. Focus Groups
25. Discourse Analysis
26. Grounded Theory
27. Bias
28. Trustworthiness